

## مبانی شناخت در اندیشه سیاسی امام خمینی

چکیده: با عنایت به اهمیت و جایگاه محوری اندیشه امام خمینی بر ساخت نظم سیاسی پسا انقلاب اسلامی، و نیز شخصیت علمی ذو ابعاد ایشان، در این تحقیق بر آن هستیم تا با مراجعه به متن اندیشه عرفانی، اخلاقی و فلسفی، به این پرسش پاسخ دهیم که مبانی عرفانی، اخلاقی و فلسفی در نظم فکری امام خمینی چیست؟ یافته این پژوهش که با استفاده از کاربست نظریه هرمنوتیک قصدگرای اسکینر به دست آمده دلالت بر آن دارد که امام خمینی در مسئله شناخت، قائل به ذومراتب بودن شناخت هستند و با عنایت به محدودیت شناخت در انسان به عالم طبیعیات، بر ضرورت دین و وجوب ارسال انبیا دارند و در نتیجه این نگرش، قائل به طیف گسترده‌ای از منابع شناخت اعم از منابع عقلی، متن مقدس و شهودی هستند. در زمینه هستی‌شناختی نیز در زمره قائلین به فلسفه متعالیه صدرایی بر وجود یک نظم سلسله‌مراتبی در عالم باور دارند و همه موجودات را مظهر و اسم خداوندی می‌دانند که بر فطرت الهی مخمر گشته‌اند و در زمینه، انسان‌شناسی نیز انسان را در عالی‌ترین مرتبه خود، در مقام کون جامع، خلیفه الله و مظهر انسان کامل یاد می‌کنند و با طرح نظریه دو فطرتی در وجود انسان، یعنی فطرت مخموره محجوبه در حجاب طبیعت و فطرت مخموره غیرمحجوبه — اولی را از جنود جهل و منشأ شقاوت و دیگری را از جنود عقل و عامل سعادت انسان عنوان می‌کنند. در زمینه روش‌شناسی نیز ایشان قائل به تکرر روش و استفاده از هر یک از روش‌های شناخت در محدوده کاربست‌پذیری آن هستند.

واژگان کلیدی: امام خمینی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی

## بیان مسئله

مبانی نظری هر اندیشمندی در بردارنده نظم هنجاری، اصول، مفاهیم، چهارچوبه‌ها و مفروضات بنیادین شکل‌دهنده به ساختار نگرش و بینش متفکر نسبت به جهان پیرامونی وی است که بدون شناخت این مبانی، نمی‌توان به شناختی جامع و قرین به‌واقع از مقاصد اندیشه‌ورزانه اندیشمند نائل آمد؛ لذا، قبل از هرگونه قضاوت در خصوص تأثیرات اندیشمند بر محیط پیرامونی خود و یا حوزه دانشگری او، لاجرم از شناخت سلسله‌معلوماتی هستیم که پایه و اساس شناخت اندیشمند از جهان پیرامونی او را شکل می‌دهد.

با توجه به اهمیت شناخت مبانی، اصول و امهات اندیشه امام خمینی به‌عنوان نرم‌افزار اصلی انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن، ضروری است تا خوانش قرین به‌واقع از متن اندیشه ایشان صورت پذیرفته تا از مخاطرات ناشی از تفسیرهای شخصی نسبت به اندیشه ایشان اجتناب شود. بر همین اساس، در این پژوهش با کاربری نظریه هرمنوتیک قصدگرای اسکینر و نیز با مراجعه به متن اندیشه و بافت زمانی آن، تلاش شده است تا با تبیین مبانی نظری نظام اندیشگی ایشان در ابعاد معرفت‌شناختی، روش‌شناسی، هستی‌شناسی و ذیل آن، انسان‌شناسی، تصویری روشن از مبانی و امهات اندیشگی امام خمینی ارائه داد.

## پیشینه پژوهشی

در زمینه شناخت مبانی اندیشه امام خمینی پژوهش‌های مختلفی صورت پذیرفته است. از آن جمله مهاجرنیا (۱۳۸۷)، کریمیان (۱۳۹۷)، رودگر (۱۳۹۶)، حسین‌پور (۱۳۹۵)، کبیری (۱۳۸۹) است با تأکید بر جنبه عرفانی اندیشه امام خمینی به صورت خاص یا به صورت تطبیقی به بررسی مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی در نگاه ایشان پرداخته‌اند.

پژوهش‌های دیگر نیز عمدتاً به تأکید بر موضوعات فلسفه سیاسی به بررسی مبانی اندیشه ایشان اقدام کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به مقیمی (۱۳۸۸)، آقاپور (۱۴۰۰)، اخلاقی و امیدی (۱۳۹۵)، عروتی (۱۳۹۵) و مقیمی (۱۳۹۱) اشاره کرد.

بررسی پیشینه پژوهشی، حکایت از آن دارد که مبانی نظری اندیشه امام خمینی، به صورت یک پژوهش مستقل که از لابه‌لای متون عرفانی، اخلاقی، فلسفی و فقهی ایشان استخراج شده باشد و تمامی حوزه‌های اندیشگی شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و

روش‌شناسی را دربرداشته باشد وجود ندارد و از این حیث، پژوهش پیش رو می‌تواند برخوردار از نوآوری در موضوع باشد.

### روش تحقیق: هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر

کوئنتین اسکینر برای درک معانی گزاره‌های سیاسی و مقصود اندیشمندان و کنشگران سیاسی شیوه نوآورانه‌ای ابداع کرد که امروزه به یکی از متداول‌ترین شیوه‌ها در فهم اندیشه سیاسی افراد تبدیل شده است. اسکینر درصدد ارائه پاسخ به این پرسش بود که چگونه می‌توان به درک قرین به واقعی از اثر یا اندیشه سیاسی افراد دست یافت؟ وی بر این باور بود که این مهم از طریق دو روش متعارف اما متعارض انجام می‌شود؛ روش نخست که بیشتر از سوی مورخان و تاریخ‌پژوهان مورد استفاده قرار می‌گرفت که روش «زمینه‌محور» نامیده می‌شد؛ بدان معنا که معنای هر متن متعین را زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، دینی و اجتماعی آن متن مشخص می‌کند (Tully, 1988, p. 59)؛ و روش دوم که روش «متن‌محور» است که با چشم‌پوشی از زمینه‌های مورد اشاره در روش پیشین، مفاهیم برداشت شده از متن را ملاک خود قرار می‌دهد. از این رو، خودبستگی متن، فرازمانی بودن و دارای حکمت فراتاریخی از پیش‌فرض‌های اساسی رویکرد متن‌گراست (Skinner, 2002, p. 86)

اسکینر بر این باور بود که هر دو روش متنی و زمینه‌ای در عمل با عدم کفایت مواجه هستند و لذا، وی با نقد روش‌شناسانه دو رویکرد مذکور توانست روشی منسجم و دارای منطق درونی ارائه نماید که این چنین اشعار می‌دارد که درک معنا و قصدیت برای فهم متون ضروری و اساسی است، اما چنین فهمی نه صرفاً از مطالعه زمینه اجتماعی به دست می‌آید و نه از مطالعه محض خود متن؛ بلکه این ترکیبی از گرایش‌های زمینه‌محور و متن‌محور در نظریه‌های هرمنوتیک است که می‌تواند خواننده را به درک قرین به واقع از مؤلف نائل گرداند (مرتضوی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۷).

روش هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر دارای سه مرحله اساسی به شرح ذیل است:

نخست؛ بررسی متون و آثار مؤلف  
در این مرحله با مطالعه آثار برجای‌مانده از مؤلف، تلاش می‌شود تا ابژه یا صاحب اندیشه را به دورانی که اندیشه‌های وی شکل گرفته بازگرداند تا بتوان با شناخت مختصات زمانی و مکانی اندیشمند، به شناخت قرین به واقعی از محیط ساخت اندیشه مؤلف دست یافت (Skinner, 1981, p. 2).

دوم؛ بازآفرینی زمینه

در این مرحله تلاش می‌شود تا بتوان محیط سیاسی، فکری و حتی اجتماعی اندیشمند را مورد بازآفرینی قرار داد تا از طریق آن به درک شایسته‌ای از میزان تأثیرگذاری زمان و مکان بر اندیشه‌های مؤلف نائل آمد (Skinner, 1981, p. 2).

سوم؛ فهم نظریات مؤلف

در مرحله واپسین از روش هرمنوتیک قصدگرا، تلاش می‌شود تا پس از شناخت محیط خلق اندیشه و بازآفرینی آن، به فهم نظریه‌ها، تعالیم مؤلف و قصد و نیت وی دست یافت (Skinner, 1981, p. 2).

در مجموع، از بعد نظری این امکان وجود دارد تا با مطالعه نظام‌مند در منظومه فکری یک اندیشمند بتوان به چارچوب و اصول کلی برای خلق یک دستگاه تحلیلی برای کاربست آن در امر سیاسی دست یافت و از آن به‌عنوان یک دستگاه تحلیلی مرجع برای تفسیر پدیده‌های سیاسی بهره برد.

طبعاً پژوهش پیرامون منظومه اندیشگی امام خمینی به‌عنوان یک فقیه و اصولی‌متبحر، فیلسوفی متأله و عارفی سترگ از یک سو و نیز رهبری یک نظام سیاسی از سوی دیگر، از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است که آنچه در این نوشتار مقصود است آن بخش از نظام اندیشگی ایشان است که با حوزه سیاست ارتباط معنادار و وثیقی پیدا می‌کند. در تحقیق پیش‌رو، در احصای منطق و پویایی اندیشه سیاسی امام خمینی، مراحل روشی سه‌گانه مذکور در هرمنوتیک قصدگرای اسکینر ملحوظ داشته شده است.

#### ۱- مبانی معرفت‌شناختی

از مهم‌ترین مبانی اندیشگی یک اندیشمند، مبانی معرفت‌شناسی اوست که بیان‌کننده طرز نگرش وی به مسئله شناخت، ابزارها و روش‌های شناخت، چگونگی نیل به حقیقت، یقینی بودن و یا ظنی بودن آن و... بوده که بدون شناخت دقیق آن نمی‌توان به فهم قرین به واقعی از اندیشه‌های یک اندیشمند دست یافت.

با توجه به این که نوعی رابطه معنادار بین مبانی معرفت‌شناختی با دیگر اجزای نظام معرفتی برقرار است که سازگاری درونی هر اندیشه را نظم می‌بخشد، نخست به این مؤلفه پرداخته شده است.

## ۱-۱- نوع نگرش به مسئله شناخت

در اهمیت مسئله شناخت همین بس که امام خمینی معرفت الله را مبدأ همه مبادی در کمالات عنوان می‌کند و این مهم را این چنین مورد تأکید قرار می‌دهند که: «مبدأ همه مبادی در کمالات، معرفت الله است و ترک نفس، و مبدأ همه نقایص و سیئات، حب نفس و خودخواهی است و راه اصلاح تمام مفاسد، اقبال به حق است و ترک هواهای نفسانیه... معرفت خدا، حب خدا آورد و این حب، چون کامل شد، انسان را از خود منقطع می‌کند، و چون از خود منقطع شد، از همه عالم منقطع می‌شود و چشم طمع به خود و دیگران نبندد و از رجز شیطان و رجز طبیعت پاکیزه شود و نور ازل در باطن قلب او طلوع کند و از باطن به ظاهر سرایت کند و فعل و قول او نورانی شود.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، ص. ۳۵۲) لذا، اهمیت و ضرورت معرفت در منظومه فکری امام خمینی، بیش از سایر مراتب و دیگر از مبانی است.

از منظر امام خمینی، مسئله شناخت، ماهیتی ذومراتب و تشکیکی دارد و متعلق شناخت، یک جهان وسیع از عالم ماده و معناست؛ لذا ایشان تأکید دارند: «ما تا در حجاب عالم ملک و خدر طبیعت هستیم، از آن عالم نمی‌توانیم ادراکی نماییم و دستی از دور بر آتش داریم.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۸، ص. ۷) در واقع، از نظر ایشان، شناخت در یک مرتبه نازل به جهان محسوسات متعلق شده، حال آنکه شناخت و جهان واقع، بسیار فراتر از این جهان طبیعت است.

از نگاه معرفت‌شناسی توحیدی امام خمینی، معیار شناخت اعم از حس و عقل است و هر آنچه در این قلمرو قرار گیرد، داخل در قلمرو عمل و شناخت قرار می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، نامه‌های اخلاقی عرفانی، ص. ۱۳۶)؛ بدین معنا، جهان غیب نیز به عنوان متعلق شناخت می‌بایست در حوزه معرفت‌شناسی وارد گردد. امام خمینی نقص عمده جهان‌بینی مادی را تک‌ساحتی بودن و محجوب بودن آن در حجب طبیعت و علوم ظاهره عنوان کرده و می‌فرماید: «تا عقل در عقال مفاهیم و کلیات است، از شهود و حضور خبری ندارد؛ گرچه علوم، بذر مشاهدات است، ولی وقوف در آنها عین حجاب است و تا آن بذور در زمین قلب، فاسد و ناچیز نشود، مبدأ حصول مشاهدات نگردد، و تا آنها در انبار قلب مورد نظر استقلالی است، از آنها نتیجه حاصل نگردد.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، ص. ۶۱) از همین منظر، در مسئله شناخت، امام خمینی عقل فاقد اتصال به شهود را مرتبه نازل و ناقصی از عقل معرفی کرده که تنها در حوزه طبیعیات می

تواند به کار گرفته شود و ظرفیت و استعداد ورود به دیگر عرصه‌های شناخت را ندارد. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، ص. ۴۲۱)

دلیل تأکید امام خمینی به ضرورت هم‌زمانی شناخت عالم محسوس و عالم شهود به‌عنوان دو بخش از ماهیت وجودی اشیا و پدیده‌ها، به این مهم بازمی‌گردد که هر حوزه از دانش در دایره محدودی از موضوعات می‌تواند انسان را به شناخت نائل گرداند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، نامه‌های اخلاقی عرفانی، ص. ۷۰).

مسئله دیگر بعد از متعلق شناخت، فاعل شناسای شناخت است. از نظرگاه امام خمینی، «انسان چون افق وجودش در یک حد محدودی است و به نیز به‌واسطه انغمار در طبیعت، از غیر طبیعت خود محجوب است، عوالم فوق خود و دون خود را نیافته است؛ بلکه از خود نیز کاملاً محجوب است.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، ص. ۲۷۱)

ایشان از این بحث این‌گونه استنتاج می‌نمایند که حکمت الهی اقتضا می‌کند تا برای جبران این نقیصه، فاعل شناسای دیگری در کنار انسان و به‌عنوان جزء متمم آن قرار گیرد که در واقع، این مسئله فلسفه ارسال انبیا و انزال کتاب را صحنه می‌گذارد. چنانچه ایشان تصریح دارند: «همه انبیا آمده‌اند که ما را از این حجاب‌ها بیرون بکشند و به نور برسانند از حجاب‌های ظلمانی، و از حجاب‌های نورانی بیرون بکشند و به نور مطلق متصل کنند.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، صص. ۶۴-۶۵)

امام خمینی، مراتب معرفت و نیل به این حقیقت مطلقه را در سلسله‌ای از مراتب چهارگانه معرفی کرده و تصریح دارند: اگر سالک راه حقیقت و مسافر طریق عبودیت با قدم سلوک علمی و مرکب سیر فکری این منزل را طی کرد در حجاب علم واقع شود و به مقام اول انسانیت نائل شود... در مقام دوم، جدیت در طلب مطلوب حقیقی... آن چنان است که آنچه را با عقل با قوت برهان و سلوک عملی ادراک کرده با قلم عقل به صفحه قلب بنگارد و حقیقت ذل عبودیت و عزّ ربوبیت را به قلب برساند و از قیود و حجب علمیه فارغ گردد. در مقام سوم، مقام اطمینان و طمأنینه نفس است که در حقیقت، مرتبه کامله ایمان است و مرتبه چهارم، مقام مشاهده است که نوری است الهی و تجلی‌ای است رحمانی که تبع تجلیات اسمائیه و صفاتی در سر سالک ظهور کند و سرتاپای قلب او را به نور شهودی متنور نماید (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۸، صص. ۱۷-۱۵)

در مجموع، آنچه در مسئله شناخت در اندیشه امام خمینی قابل احصاست، نخست، گستره دایره شناخت انسان به جهان محسوس و عالم شهود؛ دوم، اثبات فلسفه ارسال انبیا برای تکمیل شناخت انسان؛ سوم، رشد و تعالی اخلاقی انسان و حصول به حقیقت مطلقه عالم یعنی نیل به معرفت الله، به عنوان غایت و هدف شناخت.

#### ۲-۱- منابع شناخت

متفکران مسلمان بر این باورند که هر یک از منابع شناخت قلمرو معینی دارند که خارج از آن قلمرو، اعتباری برای آنها نیست. از این رو، منابع شناخت سرچشمه‌های معرفتی هر اندیشه به شمار می‌روند که در قلمروی آن می‌توان بخشی از واقعیت هستی را مورد مطالعه قرار داد. طبعاً این که عنصر شناخت در یک جهان‌نگرش مبتنی بر چه مؤلفه‌هایی باشد بر دیگر مراتب شناخت نیز تأثیرگذار خواهد بود. متفکرین اسلامی بسته به نوع وابستگی ایشان به مکاتب کلامی و مذاهب فقهی و نیز نظام اندیشگی خود، مؤلفه‌های مختلفی را به عنوان منابع شناخت برگزیده‌اند؛ باین حال، هیچ یک از این مراتب شناخت خالی از نقصان نیست. دیدگاه امام خمینی در این رابطه را می‌توان به شرح ذیل ترسیم نمود:

الف) منابع شناخت عقلی (حسی)

#### ۱-۲-۱- حس و تجربه

امام خمینی، ضمن اشاره به این مرتبه نازله از شناخت که تنها صورت اشیا و خواص ظاهره آن بر فاعل شناسا معلوم می‌شود، این‌گونه تصریح دارند: «جمیع ادراکات ما در این عالم ناقص و ضعیف و محجوب به حجب کثیره‌ای است... امروز چشم ما ملائکه و بهشت و جهنم را نمی‌بیند؛ گوش ما صداهای عجیب و غریب برزخ و برزخیان و قیامت و اهل آن را نمی‌شنود؛ حس ما ادراک حرارت آن جا را نمی‌کند همه از نقص خود اینهاست... ارتباط نفس با بدن در این عالم خیلی ضعیف و ناقص است. این عالم تعصی دارد از آن که نفس در او به قوای خود ظاهر گردد؛ ولی آن عالم مملکت ظهور نفس است و نسبت نفس به بدن نسبت فاعلیت و خلاقیت است ایمان غیر از علم به خدا و وحدت و سایر صفات کمالیه ثبوتیه و جلالیه و سلبيه، و علم به ملائکه و رسل و کتب و یوم قیامت است» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، ص. ۱۰۱)

#### ۱-۲-۱- عقل

یکی دیگر از مهم‌ترین منابع شناخت، عقل است. «عقل به‌عنوان یکی از درجات تفکر، فکرت در لطایف صنعت و اتقان آن و دقایق خلقت است، به قدری که در طاقت بشر است و نتیجه آن علم به مبدأ کامل و صانع حکیم است و این عکس برهان صدیقین است؛ زیرا که مبدأ برهان در آن مقام حق تعالی عزّ آسمه است و از آن علم به تجلیات و مظاهر و آیات حاصل شود؛ و در این مقام، مبدأ برهان مخلوقات است و از آنها علم به مبدأ و صانع حاصل شود و این برهان برای عامه است و آنها را حظی از برهان صدیقین نیست.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۶، ص. ۲۲۰) باین حال، به باور امام خمینی خردورزی عقلانی محصول نوع ادراکات نوع بشر است. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، ص. ۸۲)

به باور امام خمینی، هر چند این روش تفکر عقلانی از ظرفیت‌های بالایی برای فهم و شناخت پدیده برخوردار است، باین حال، نمی‌تواند واجد ملاک‌ها و معیارهای لازم برای حصول شناخت در دیگر حوزه‌ها باشد. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، ص. ۲۵ و صص. ۴۹-۴۸)

در مجموع، به باور امام خمینی، نخستین مرحله از شناخت محصور و محصول دستاوردهای عقل بشری است که علاوه بر شناخت روابط علت و معلولی حاکم بر پدیده‌ها، می‌تواند در زمینه رویکرد هنجاری نیز مورد استناد قرار گیرد.

ب) منابع شناخت متنی (تفسیری)

۱-۲-۳- وحی

یکی دیگر از منابع شناخت در دیدگاه امام خمینی، وحی است. وی و نص مقدس همواره در بین الاهیون یکی از منابع معتبر شناخت محسوب می‌شده است. امام خمینی نیز از این قاعده مستثنی نیست و این همه را این‌گونه مورد تأکید خویش قرار می‌دهند که: «قرآن همه مسائل را دارد لکن آن کسی که ادراک می‌کند إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ. قرآن را آن که مخاطبش است می‌فهمد چیست... این را غیر از خود او نمی‌تواند مشاهده کند. قضیه، قضیه ادراک عقلی نیست، قدم برهان نیست، قضیه مشاهده نیست، آن هم مشاهده غیبیه. مشاهده با چشم نیست، مشاهده با نفس نیست، مشاهده با عقل نیست با قلب نیست. آن قلبی که قلب عالم است، قلب نبی، باز مشاهده با اوست.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، ص. ۶۰).

چنانچه مشاهده شد امام خمینی بهره‌مندی از ظرفیت وحی در شناخت را غیر از ادراکات عقلی دانسته و شناخت حقیقت وحی را تنها مختص به قلب نبی<sup>(ص)</sup> می‌داند و در تفسیر هم معتقد



هستند تا کنون تفسیری بر قرآن عرضه نشده و آنچه هست تنها «یک پرده از پرده‌های قرآن کریم را تفسیر کرده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، ص. ۵) از همین رو، ایشان افرادی که رشد علمی زیاد پیدا نکرده‌اند، از ورود به تفسیر قرآن منع کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، ص. ۷) که این امر خود بر پیچیدگی و نیز اهمیت این منبع شناخت در میان دیگر منابع شناخت تأکید دارد.

۱-۲-۴- فقه

امام خمینی، علم فقه را یکی دیگر از ابرازهای شناخت معرفی و از آن به‌عنوان علمی جامع و تئوری واقعی و کامل اداره زندگی انسان یاد می‌کنند. ایشان در توضیح این جامعیت این چنین تأکید دارند: جامعیت علم فقه عبارت از آن است که چون برای جمیع طبقات انسان در تمام ادوار عمر بشری نازل شده و رافع تمام احتیاجات این نوع است، و حقیقت این نوع چون حقیقت جامعه است و واجد تمام منازل است از منزل اسفل ملکی تا اعلی مراتب روحانیت و ملکوت و جبروت (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۸، صص. ۳۷۹-۳۷۸)

ایشان با نقد روش اجتهادی فقاهتی مرسوم، تنها زمانی آن را برای کاربست موفق در جامعه تجویز می‌نمایند که فقه در ارتباط و تعامل سازنده و دوسویه با واقعیت‌های عینی قرار گیرد و ظرفیت تبیینی خود را گسترش و عمق دهد (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج. ۲۱، ص. ۲۹۲)

امام خمینی، فقه پویا را فقهی می‌داند که می‌تواند در زمینه ارائه شناخت و تجویزهای محیط کنش مورد استفاده قرار گیرد؛ لذا، ایشان ضمن تأکید بر اجتهاد به سبک فقه سنتی، این امر را بدان معنا نمی‌بینند که فقه پویا نیست و براین اساس همواره بر لحاظ کردن دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد تأکید داشته و می‌فرمایند: «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند، مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند.» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج. ۲۱، ص. ۲۸۹)

ایشان فقه را اداره‌کننده جوامع انسانی دانسته و می‌فرمایند: «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است؛ فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج. ۲۱، ص. ۲۸۹)

در مجموع، دانش فقه به‌عنوان یکی از میراث مکتب اهل بیت<sup>(ع)</sup> و محصول قرن‌های تلاش فکری مجتهدان مسلمان، یکی از منابع شناخت در نظرگاه امام خمینی است. اما هرچند ایشان را

می‌توان در زمره طرفداران رویکرد حداکثری به فقه دانست، با این حال، ایشان به واسطه ایفای نقش رهبری جامعه اسلامی در صف منتقدان به فقه مصطلح قرار گرفتند و خواهان تقارب هرچه بیشتر فقه با الزامات زیست معاصر و تبعات آن بر شیوه حکمرانی هستند. از همین رو، ضمن تأکید بر فقه سنتی و اجتهاد جواهری - که قرائتی حداکثری در زمینه فقه ارائه می‌دهد - خواستار پویایی هرچه بیشتر آن و لحاظ نمودن عناصری چون زمان، مکان و مصلحت در فهم احکام شریعت شدند.

#### ۱-۲-۵- نصوص مقدس معصومین (ع)

امام خمینی، نصوص برجای مانده از معصومین (علیهم‌السلام) را در جمله مهم‌ترین منابع شناخت معرفی کرده و تصریح دارند: «روایات اهل بیت عصمت که معادن وحی و تمام فرمایشاتشان و علومشان از وحی الهی و کشف محمدی است و احادیثی که در طینت ابدان و خلق ارواح و قلوب آنها و آنچه که به آنها از اسم اعظم عطا شده، و علمی که به آنها از خزینه غیب الهی مرحمت شده، از علوم انبیا و ملائکه و بالاتر از آن، آنچه در وهم من و تو نیاید، و آنچه در سایر فضایل آنها در ابواب متفرقه کتب معتبره اصحاب، خصوصاً اصول کافی است به قدری است که عقول را حیران کند و به اسرار و حقایق آنها کسی آگاه نگردد جز خود ذوات مقدسه آنان» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۸، ص. ۵۲)

ج) منابع شناخت قلبی - شهودی

#### ۱-۲-۶- قلب

قلب در اصطلاحات عرفانی، مرتبه‌ای از منابع شناخت است که انسان به واسطه تربیت عقلی و سلوک نفسانی بدان نائل می‌آید. در این مرتبه از شناخت، تجلیات بر قلب انسان سالک مکشوف می‌شود؛ هر چند این تجلیات حالتی یکسان ندارد و ممکن است حسب این که ماهیت عشقی یا خوفی آن، تجلیات مختلفی را بروز دهد. امام خمینی کامل‌ترین مرتبه بروز این تجلیات را تجلی اسم اعظم خداوندی دانسته و این مرحله را تنها به مقام خاتم انبیا (ص)، محدود دانسته و در این باره در کتاب شریف شرح دعاء السحر، این‌گونه تصریح دارند: «انَّ القلوب مختلفه فی بروز التجلیات فیها، فرب قلب عشقی ذوقی تجلی علیه ربه بالجمال و الحسن و البهاء، و قلب خوفی تجلی علیه بالجلال و العظمه و الکبریاء و الهیبه، و قلب ذی وجهتین تجلی علیه بالجمال و الجلال

و الصفات المتقابلة، او تجلی علیه بالاسم الاعظم الجامع، و هذا المقام مختص بخاتم الانبياء و اوصيائه عليهم السلام.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۲، ص. ۳۲)

امام خمینی مسئله شناخت قلبی را غیر از شناخت علمی و برهانی عنوان می‌کنند و تأکید دارند که بین علم و ایمان تفاوتی اساسی وجود دارد و آن این است که ممکن است حسب استدلال برهانی و عقلی امری مورد پذیرش قرار گیرد و در زمره معلومات انسان وارد آید ولی قلب مرتبه بالاتری از شناخت است که چنانچه حاصل شود، برون‌داد کنش انسانی را کاملاً متأثر خود می‌گرداند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، ص. ۲۱)

#### ۱-۲-۷- سکر

از دیگر منازل شناخت در نگاه عرفانی، سکر است که در نگاه امام خمینی، زمانی حاصل می‌شود که سالک با عبور از منازل حواس و تخیلات و تعقلات، و تحقق نفی صفات و رسوم تا نیل به مرحله الاهیه مطلقه عنوان می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۲، ص. ۱۵) امام خمینی این مقام که تمام تعینات علمیه و عینیه در آن فانی شود را مقام سکر معرفی کرده؛ مقامی که در آن نه تقاضا، نه تقاضاکننده و نه تقاضاشونده‌ای وجود دارد؛ چرا که در این مقام سالک، در دهشت و اضطراب تماشای جمال محبوب فرومی‌رود. سالک تا در این مقام قرار دارد، یارای شهود در آن را ندارد. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۲، ص. ۱۸) لذا این مرحله از تجلیات صفات حق تعالی، شناختی متفاوت از شهود و ماقبل آن است.

#### ۱-۲-۸- شهود

شهود مرتبه دیگری از منابع شناخت است که تنها بر خاصگان از بندگان خدا قابل حصول است. امام خمینی در تفسیر خود پیرامون آیه ۱۴۳ سوره اعراف، و تجلی خداوند بر موسی (ع) در میقات، با اشاره به محدودیت‌های قوای حسی، این‌گونه ابراز می‌دارند: «موسی بعد از این که تحت ربوبیت حق تعالی واقع شد و از این منازل گذشت، آن وقت عرض کرد: أَرِنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ... جواب آمد: لَنْ تَرَانِي. یعنی محتملاً، تا موسی هستی رویت نمی‌شود، تا تو هستی نمی‌شود. لکن مایوسش نکرد؛ ارجاعش کرد به این که أَنْظُرُ إِلَى الْجَبَلِ. این جبل چیست؟... این جبل، محتمل است که همان انانیت نفس موسی بوده که باز بقایا داشته است، با همان تجلی جبل را «دک» کرد، به هم زد اوضاع انانیت را، و موسی به مقام موت رسید: «خَرَّ مُوسَى صَعْقًا». برای ما قصه این‌ها قصه است. آنچه آن‌ها با قدم شهود یافته‌اند، برای ما که در این ظلمتکده هستیم، به صورت قصه است. جبل را جبل

طور برای ما گفته‌اند؛ تجلی هم به نظر ما می‌آید که یک نوری بوده است از کوه طور که موسی دیده، دیگران هم می‌دیدند. اگر نور حسی بود، خوب همه می‌دیدند.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، صص. ۵۶-۵۷).

ایشان «حقیقت عرفان و شهود و نتیجه ریاضت و سلوک، را رفع حجاب از وجه حقیقت و رویت ذل عبودیت و اصل فقر و تدلی در خود و در همه موجودات» عنوان می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۸، ص. ۱۵) و این مرتبه از شناخت را مختص صدیقین دانسته و تأکید می‌کنند: «صدیقین از مشاهده ذات، شهود اسماء و صفات کنند و در آئینه اسماء، اعیان و مظاهر را شهود کنند... و اگر صدیقی بخواهد مشاهدات خود را به صورت برهان درآورد و آنچه ذوقاً و شهوداً یافته به قالب الفاظ بریزد، این چنین شود؛ نه آن که هر کس بدین برهان علم به ذات و تجلیات آن پیدا کرد، از صدیقین است؛ یا آن که معارف صدیقین از سنخ براهین است، منتها براهین مخصوصی. هیئات که علوم آنها از جنس تفکر باشد، یا مشاهدات آنها را با برهان و مقدمات آن مشابهتی. تا قلب در حجاب برهان است و قدم او قدم تفکر است، به اول مرتبه صدیقین نرسید و چون از حجاب غلیظ علم و برهان رست، با تفکر سروکاری ندارد و بی‌واسطه برهان، بلکه بی‌واسطه موجودی، در آخر کار و منت‌های سلوک، به مشاهده جمال جمیل مطلق نائل گردد و به لذت دائم سرمد برسد.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، صص. ۲۱۵-۲۱۴)

به باور امام خمینی، چنانچه انسان سالک به این مرحله از عرفان و شهود نائل آمد و از تعینات طبیعی خارج شد مصداق آن کسی است «که با قدم عبودیت سیر کند و داغ ذلت بندگی را در ناصیه خود گذارد، وصول به عزّ ربوبیت پیدا کند. طریق وصول به حقایق ربوبیت، سیر در مدارج عبودیت است و آنچه از انیت و انانیت مفقود شود، در ظل حمایت ربوبیت آن را می‌یابد، تا به مقامی رسد که حق تعالی سمع و بصر و دست‌وپای او شود... چون از تصرفات خود گذشت و مملکت وجود خود را یکسره تسلیم حق کرد و خانه را به صاحب‌خانه واگذار نمود و فانی در عزّ ربوبیت شد، صاحب‌خانه خود متصرف در امور گردد؛ پس تصرفات او تصرف الهی گردد؛ چشم او الهی شود، و با چشم حق بنگرد و گوش او گوش الهی شود و به گوش حق بشنود.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۸، ص. ۱۳)

در یک نگاه کلی می‌توان جهان‌نگرش امام خمینی را ذیل هستی‌شناسی توحیدی مورد مطالعه قرار داد که به شدت در منظومه علمی متأثر از فلسفه متعالیه صدرایی قرار دارد و ایشان را در رمزه قائلین به اصالت وجود جای می‌دهد. در واقع، هستی‌شناسی امام خمینی بر پایه یک نوع هستی‌شناسی فلسفی - عرفانی بنیان نهاده شده که در ادامه تلاش می‌شود تا مهم‌ترین رؤس آن به بحث و نظر گذاشته شود.

## ۱-۲- هستی‌شناسی عرفانی

امام خمینی مبتنی بر جهان‌بینی عرفانی خود، عالم وجود را عالمی ذومراتب و برخوردار از نظامی سلسله‌مراتبی دانسته که هر بعدی از آن، سایه‌ای از دیگر ابعاد آن است؛ جهانی که تجلی فیض مقدس و رحمت واسعه و نفس رحمانی در مظاهر ارواح جبروتیه و ملکوتیه آن همچون عالم عقول مجرد و نفوس کلیه، عالم مثال و خیال مطلق، عالم مثل معلقه، عالم شهادت مطلقه و عالم ملک و طبیعت است.

براین اساس، محل ظهور و حضور ذات، نظامی سلسله‌مراتبی داشته، چنانچه ایشان انسان که جامع تمامی عوامل مذکور است را سایه حضرت جامعه‌الاهیه، عالم اعیان را پرتوی حضرت غیب مطلق، عالم عقول و نفوس را سایه حضرت غیب مضاف نزدیک‌تر به مطلق، عالم خیال و مثال مطلق را سایه حضرت غیب مضاف نزدیک‌تر به شهادت، عالم ملک را سایه شهادت مطلق، حضرت اسمائیه و اعیان ثابته را در سایه فیض اقدس و حضرت شهادت و عالم ملک و ملکوت و جبروت را در سایه فیض مقدس معرفی می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۲، صص. ۱۳۲-۱۳۱)

## ۲-۲- عالم به مثابه «اسم‌الله»

امام خمینی مبتنی بر معرفت‌شناسی توحیدی خود، در هستی‌شناسی نیز همه عالم را مظهر خداوند دانسته و تأکید دارند: «همه عالم اسم‌الله‌اند؛ چون اسم، نشانه است؛ همه موجوداتی که در عالم هستند نشانه ذات مقدس حق تعالی هستند... این مقداری که همه موجودات عالم اسم خدا هستند و نشانه خدا هستند، را همه عقول می‌توانند بفهمند، همه عالم را اسماء‌الله بدانند... این واقعیتی است که یک موجود غیرمتناهی در همه اوصاف کمال، موجودی لاحد است و هیچ حدی در موجودیتش نیست، این موجود به ضرورت عقل باید تمام همه کمالات باشد... یک چنین موجودی که مبدأ یک ایجاد می‌شود، و مبدأ یک وجود می‌شود، تمام آن موجوداتی که به مبدأیت او وجود

پیدا می‌کنند، این‌ها مستجمع همان اوصاف هستند به طریق نقص. منتها مراتب دارد.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، ص. ۱۰ و صص. ۱۳-۱۲)

امام خمینی حقیقت هستی را تجلی خداوند عنوان کرده و معتقدند در عالم چیزی مستقل از خود نیست و همه چیز اسم الله است. «تمام عالم زنده است، همه هم اسم الله هستند. همه چیز اسم خداست... به اسم الله الحمدلله، حمد هم که می‌کنید اسم الله است. زبان شما که حرکت می‌کند اسم الله است... خود شما اسم الله هستید، حرکات قلبتان هم اسم الله است، حرکت نبضتان هم اسم الله است... اسم در مسمای خود فانی است. ما خیال می‌کنیم که در خودمان استقلالی داریم، یک چیزی هستیم. لکن این طور نیست، اگر آنی، آن شعاع وجود که موجودات را با آن شعاع، با آن اراده، با آن تجلی، موجود فرموده، اگر آنی آن تجلی برداشته شود، تمام موجودات لاشیئی اند.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، صص. ۱۵-۱۶)

#### ۲-۳- فطرت الهی

سومین ویژگی هستی‌شناسی امام خمینی، به نوع تفسیر ایشان از ماهیت وجودیه انسان بازمی‌گردد. در نگاه ایشان در فطرت همه انسان‌ها، میل و گرایش به صفاتی قرار دارد که در واقع صفات الهی هستند، چنانچه می‌فرمایند: «در فطرت جمع عائله بشری ثبت است عشق به بقای ابدی... در فطرت تمام بشر ثبت است عشق به راحت و حریت، و مقصود از حریت، حریت مطلقه است که نفوذ اراده از شئون آن است و در حیات دنیاوی، این دو امر، ممکن نیست؛ زیرا که راحت مطلقه به هیچ‌وجه یافت نشود، بلکه تمام راحتی‌های آن مشوب به رنج و تعب است؛ چه در تحصیل آن و تمهید مقدمات کثیره برای حصول آن، و چه در حین حصول آن و چه بعد از حصول آن... و نیز انسان به حسب فطرت، عاشق حریت و آزادی است که هر چه بخواهد بکند؛ حتی اراده او نیز نافذ باشد؛ به طوری که در مقابل سلطنت و قدرت او مدافع و مزاحمی نباشد.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، صص. ۱۰۵-۱۰۳)

#### ۲-۴- ماهیت جهان طبیعت

هستی و عالم ملک از دیدگاه عرفانی امام خمینی، دار عبادت الله است. ایشان در کتاب گران‌سنگ «آداب الصلوة» این مهم را بدین صورت توصیف می‌کنند: «سالک باید بداند از دار کرامت الله آمده و در دار عبادت الله واقع است و به دار جزاء الله خواهد رفت. پس سالک باید به خود بفهماند و به ذائقه روح بچشاند که دار طبیعت مسجد عبادت حق است و او برای همین مقصود در این نشئه

آمده، و... و چون دار طبیعت را مسجد عبادت یافت و خود را معتکف در آن دانست، باید به آداب آن قیام و از غیر تذکر حق صائم شود و از مسجد عبودیت خارج نشود مگر به قدر حاجت.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۸، ص. ۱۲۶)

دنیا یا عالم ملک در نگاه توحیدی امام خمینی، مهد تربیت نفوس قدسیه و محلی برای تحصیل مقامات عالیه و مغتنم‌ترین عوالم برای سلوک است. چراکه اساساً انسان سالک بدون تجربه نشئه دنیویه و عبور از حصار آن نمی‌تواند به نشأت دیگر راه پیدا کند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، ص. ۱۳۵).

#### ۲-۵- ماهیت جهان مابعد الطبیعه

امام خمینی همچون دیگر الاهیون، حقیقت هستی بسیار فراتر از ماهیت مشاهده‌پذیر آن می‌دانند و عالم ملک را نازل‌ترین و محدودترین منزل از حقیقت هستی معرفی می‌کنند: حظ خود را از وجود و کمالات وجود مقایسه کنی با سایر موجودات، می‌بینی تو و تمام کره زمین، بلکه تمام منظومه شمسی در مقابل عالم جسمانی که پست‌ترین همه عوالم است و کوچک‌ترین همه نشأت است، قدر محسوسی نداری... اینها همه از عالم جسمانی است که قدر آن را جز خالق آنها نمی‌داند؛ و کشف ارباب کشف به مقدار قلیلی از آن بیشتر موفق نشده و تمام عالم اجسام در مقابل عالم ماوراءالطبیعه هیچ قدر محسوسی ندارد و در آن جا عوالمی است که در فکر بشر نگنجد. اینها شئون حیات تو و حظوظ تو و من است از این عالم وجود (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، صص. ۱۰۹-۱۰۸).

#### ۲-۶- ماهیت نفس

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در هستی‌شناسی، نوع نگاه و تفسیر از ماهیت نفس انسانی است. از منظر امام خمینی، جسم ملکی انسان تحت تصرف نفس اوست که می‌تواند این تصرف به قوای واهمه صورت پذیرد یا به قوه عقل و شرع که هر یک فرجام متفاوتی برای انسان رقم می‌زند؛ چنانچه تصریح دارند: بدان که مقام اول نفس و منزل اسفل آن، منزل ملک و ظاهر و دنیای آن است که اشعه و انوار غیبیه آن در این بدن محسوس و بنیه ظاهره تابیده و او را زندگانی عرضی بخشیده و تجیش جیوش در این بدن کرده و میدان جنگ آن همین بدن است؛ و قوای ظاهره آن لشکر آن است که در اقالیم سبعة ملکیه... بسط پیدا کرده و تمام این قوای منتشره در این ممالک سبعة در تحت تصرف نفس است به مقام وهم؛ زیرا که وهم سلطان قوای ظاهره و باطنه نفس

است. پس اگر وهم حکومت نمود... این قوا جنود شیطان گردند... و اگر وهم تحت تصرف عقل و شرع در آنها تصرف نمایند... مملکت رحمانی و عقلانی شود (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۶، ص. ۱۲).

#### ۲-۷- ماهیت قدرت

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که انسان در زیست خود بدان معطوف است، میل به قدرت است. هرچند در نگاه سنتی در رهیافت واقع‌گرایانه، اساساً قدرت مفهومی سلبی و ناشی از خوی سرکش انسان نشأت گرفته، در نگاه هستی‌شناسی توحیدی امام خمینی، مسئله قدرت و نوع نگاه به آن، تفاوتی بنیادین دارد.

#### ۲-۷-۱- قدرت به مثابه یک صفت الهی

امام خمینی قدرت از امهات صفات الهیه دانسته و آن را در کنار، زندگی، علم، اراده، شنوایی، بینایی و گفتار از ائمه هفت‌گانه یاد می‌کنند که از یک شمول کلی برخوردار است. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۲، ص. ۱۱۹)

#### ۲-۷-۲- قدرت سیاسی و اجتماعی

از نظرگاه امام خمینی قدرت در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز چنانچه از دایره کنش نفوس مهذب و تربیت شده خارج نگردد، در راستای رشد و تعالی انسان و جامعه خواهد بود و چنانچه در حصر و اراده عقل منفعت‌طلب غیرمهذب قرار گیرد، منشأ تمام انحرافات و مفساد خواهد بود. از این منظر، قدرت در نگاه هستی‌شناسی امام خمینی، اساساً مفهومی سلبی نیست، بلکه از امهات صفات خداوند است ولی همین قدرت چنانچه از درون دچار فساد گردد می‌تواند منشأ بروز بیماری‌های دیگری شود چنانچه ایشان می‌فرمایند: «اسّ اساس و ام‌الامراض را باید حب دنیا که رأس تمام خطیئات است، دانست و چون حب دنیا در دل متمکن شد، به مجرد آن که با یکی از شئون دنیاوی مزاحمتی حاصل شد، قوه غضب فوران کند و عنان اختیار را از دست بگیرد و متملک نفس نشود و انسان را از جاده شریعت و عقل خارج کند.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۲، ص. ۳۹۲)

#### ۳- مبانی انسان‌شناختی

از منظر حیطه‌بندی مرزهای دانش، انسان‌شناسی به طور معمول ذیل مبحث هستی‌شناسی اندیشه یک متفکر یا یک مکتب فکری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مراد از مبانی انسان‌شناختی، آن



دسته از گزاره‌های توصیفی — تبیینی مدلل درباره واقعیت وجودی انسان است که از متون معتبر اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث فلسفه اسلامی استخراج شده‌اند و باید آنها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از نظام فلسفه و نگرشی یک اندیشمند دانست. در ادامه به شرح و تبیین ویژگی‌های بنیادین وجودشناسی انسان از نگاه امام خمینی پرداخته می‌شود.

### ۳-۱- مراتب وجودی انسان

از منظر هستی‌شناختی امام خمینی از برای انسان مقامات مختلفی را قائل هستند که بنا به طبقه‌بندی‌های مختلف این مراتب مختلف خواهند بود که به نظر می‌رسد ایشان معتقد هستند مراتب وجودی انسان بی‌نهایت بوده و همین عامل ملاکی بر ماهیت تشکیکی وجودی اوست. چنانچه این مهم را این‌گونه مورد تأکید خود قرار می‌دهند: «انسان دارای مقامات و مدارجی است که به اعتباری او را دارای دو مقام دانند: یکی مقام دنیا و شهادت؛ و دیگر مقام آخرت و غیب که یکی ظل رحمان و دیگر ظل رحیم است... که انسان کامل به حسب این دو مقام، یعنی مقام شهادت و ظهور به رحمانیت و مقام غیب و ظهور به رحیمیت، تمام دایره وجود است؛... و به اعتباری دارای سه مقام است: یکی مقام ملک و دنیا، دوم مقام برزخ، سوم مقام عقل و آخرت و در انسان کامل این سه مقام یکی مقام تعینات مظاهر است؛ و یکی مقام مشیت مطلقه و یکی مقام احدیت جمع اسماء است... و به اعتباری دارای چهار مقام است: ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و به اعتباری دارای پنج مقام است: شهادت مطلقه، و غیب مطلق، و شهادت مضافه و غیب مضاف، و مقام کون جامع؛ مطابق با حضرات خمس متداول در لسان عرفا؛ و به اعتباری دارای هفت مقام معروف به هفت شهر عشق و هفت اقلیم وجود در السنه عرفاست و به اعتباری تفصیلی دارای صد منزل یا هزار منزل است.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۷، صص. ۶-۷)

### ۳-۱-۱- انسان یا آدم؟!!

انسان‌شناسی از نظرگاه امام خمینی، را می‌توان در قالب مباحثی که ایشان ذیل کلیدواژگانی چون انسان، بشر، فطرت و... جستجو کرد. امام خمینی میان آدم و انسان تفاوت قائل هستند چنانچه در این خصوص می‌فرمایند: «وقتی یک انسانی آدم شد، به همه این مسائل عمل می‌کند، زراعت هم می‌کند، لکن زراعتی که برای خداست؛ جنگ هم می‌کند. همه این جنگ‌هایی که در مقابل کفار و در مقابل ستمگرها شده از این اصحاب توحید و از این دعاخوان‌ها بوده. آنهایی که

در رکاب رسول خدا، در رکاب امیرالمؤمنین بودند، اکثراً آنهایی بوده‌اند که اهل همین جور عبادت‌ها زیاد بوده‌اند.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، صص. ۷۲-۷۱) این امر دلالت بر این نکته دارد که انسان در ریشه نسیان عمدتاً واجد معنایی سلبی از حقیقت اوست و آنچه بیشتر بر همگرایی با فطرت تأکید دارد با واژه آدم یا انسان کامل یا کون جامع یا حقیقت انسانیت و یا انسانیت در بیان امام یاد شده است، هرچند در بررسی قرآن نیز می‌توان شواهدی بر این امر اقامه کرد چه این که بسیاری از آیات قرآن که وجوه سلبی از ماهیت انسانی را مورد تأکید خود قرار می‌دهد بر واژه «انسان» استناد دارد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۲- انسان به مثابه سرّ

انسان در هستی‌شناسی توحیدی و عرفانی امام خمینی، حقیقتی ذومراتب داشته تا آنجا که می‌فرمایند: «انسان هم سرّ و سرّ سرّ است. ما یک ظاهری از انسان می‌بینیم عبارت از همین حیوانی که هست. همین حیوان است و هیچ چیزی غیر از حیوان نیست؛ حیوانی بدتر از سایر حیوانات. لکن حیوانی است که این خاصیت را دارد که می‌شود برسد به انسانیت و برسد به مراتب کمال و کمال مطلق؛ تا آنچه که در وهم ما نیاید آن شود؛ پس عدم گردد. آن مراتب همه‌اش سرّ است، ظاهر همین است.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، ص. ۸۹)

### ۳-۱-۳- انسان به مثابه کون جامع

امام خمینی در شرح دعای سحر، انسان را کون جامع از برای جمیع مراتب غیبیه و مثالیه و حسّیه می‌داند که عوالم غیب و شهود و آنچه در میانه آن دو قرار دارد در وجود او درنوردیده شده است (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۲، ص. ۷). البته این تعبیر در وصف انسان کامل است چرا که ایشان در ادامه مراد از این انسان را با تعابیری چون «خلیفه الله علی خلقه، مخلوق علی صورته، متصرف فی بلاده، مخّلع بخلع اسمائه و صفاته، نافذ فی خزائن ملکه و ملکوت، منفوخ فیهِ الروح من الحضرة الالهیه، ظاهره نسخه الملک و الملكوت و باطنه خزائن الحی الذی لا یموت. و لما کان جامعاً لجمیع الصور الکونیة و الالهیه، کان مربی بالاسم الاعظم المحیط لجمیع

---

<sup>۱</sup> برای توضیح بیشتر و مطالعه شواهد قرآنی به آیات ذیل الذکر مراجعه شود: سوره ۱۷، آیه ۱۳؛ سوره ۴۲، آیه ۴۸؛ سوره ۱۷، آیه ۱۱؛ سوره ۱۷، آیه ۱۰۰؛ سوره ۳۶، آیه ۷۷؛ سوره ۱۰۰، آیه ۶؛ سوره ۱۰۳، آیه ۲؛ سوره ۳۳، آیه ۷۲؛ سوره ۹۶، آیه ۶؛ سوره ۱۷، آیه ۸۳؛ سوره ۸۰، آیه ۱۷؛ سوره ۹۰، آیه ۴؛ سوره ۴۱، آیه ۵۱؛ سوره ۴۱، آیه ۴۹؛ سوره ۷۰، آیه ۱۹؛ سوره ۸۲، آیه ۶؛ سوره ۷۵، آیه ۵؛ سوره ۲۱، آیه ۳۷؛ سوره ۴۳، آیه ۱۵ و سوره ۱۶، آیه ۴.

الاسماء و الصفات، الحاکم علی جمیع الرسوم و التعینات» و از این جهت ایشان، حضرت الاهی را مربی انسان جامع کامل می‌دانند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۲، ص. ۸)

امام خمینی حقیقت انسانیت را همان حقیقه الحقائق، روح الارواح و ماده المواد، معرفی می‌کند که جامع جمیع مراتب کمال، صفات جمال و جلال در هم درهم‌تنیده گشته، عوالم غیب و شهود در آن پنهان و مضمحل بوده و تمام خیر و شر در آن مستتر، مظهر اسم اعظم الهی و مظهر حقایق آن‌گونه که شایسته است، معرفی کنند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۳، ص. ۱۴۲)

### ۳-۱-۴- قوای باطنیه انسان و ویژگی‌های آن

امام خمینی قوای باطنی انسان را در سه قوه واهمه، غضبیه و شهویه معرفی می‌کند به باور ایشان این سه قوه سرچشمه تمام ملکات حسنه و سیئه و منشأ تمام صور غیبیه ملکوتیه است (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، صص. ۲۴-۲۲) که شرح آن سه عبارتند از:

#### ۳-۱-۴-۱- قوه واهمه

امام خمینی قوه واهمه را قوه‌ای می‌داند که فطرتاً به تسخیر نفس مجرد و نظام عقلی درنیامده و میل به دنیا دارد. چه این که می‌فرمایند: قوه عاقله، یعنی قوه روحانیه‌ای است که به‌حسب ذات، مجرد و به‌حسب فطرت، مایل به خیرات و کمالات و داعی به عدل و احسان است، و در مقابل آن، قوه واهمه است که فطرتاً، تا در تحت نظام عقلی نیامده و مسخر در ظل کبریای نفس مجرد نشده، مایل به دنیا - که شجره خبیثه و اصل اصول شرور است - است (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، ص. ۲۱)

#### ۳-۱-۴-۲- قوه غضبیه

به تعبیر امام خمینی این قوه «یکی از نعم بزرگ الهی است که به‌واسطه آن تعمیر دنیا و آخرت شود و با آن حفظ بقای شخص و نوع و نظام عائله گردد و مدخلیت عظیم در تشکیل مدینه فاضله و نظام جامعه دارد. اگر این قوه شریفه در... انسان نبود... از بسیاری از کمالات و ترقیات بازمی‌ماند؛ بلکه حد تفریط و نقص از حال اعتدال نیز از مذام اخلاق و نقایص ملکات شمرده شود که بر آن مفاصل بسیار و معایبی بی‌شمار مترتب گردد.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، ص. ۱۵۱)

باین‌حال، ایشان در جنبه سلبی غضب درحالی‌که از کنترل عقل و نفس مجرد خارج شود، آن را این‌گونه توصیف کرده و مخاطرات آن را این‌چنین گوشزد می‌نمایند: «مبدأ شجاعت قوت

نفس و طمأنینه آن و اعدال و ایمان و قلت مبالات به زخارف دنیا و پست و بلند آن است، اما غضب از ضعف نفس و تزلزل آن و سستی ایمان و عدم اعتدال مزاج روح و محبت دنیا و اهمیت دادن به آن و خوف ازد ست رفتن لذا یذ نفسانیه است.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، ص. ۱۶۱)

۳-۱-۴-۳- قوه شهویه

امام خمینی قوه شهویه را نیز همچون دیگر قوای یاد شده، از ماهیتی دوگانه برخوردار می‌داند چنانچه می‌تواند سرچشمه تمام ملکات حسنه و سیئه و منشأ تمام صور غیبیه ملکوتیه انسان باشد. این تمایز تنها به این مهم بازمی‌گردد که این قوا تحت تصرف مصادیق جنود عقل باشد یا جنود جهل. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، ص. ۲۵)

۳-۱-۵- مقام مظهریت انسان کامل

در نگاه انسان‌شناسی توحیدی امام خمینی، انسان کامل محل ظهور و حضور و تجلی تمام اسماء و صفات خداوندی است؛ حقیقتی که مصداق تام و تمام آن را در حضرت خاتم الانبیاء، نبی مکرم (ص) عنوان می‌کنند. چنانچه در این رابطه می‌فرمایند: «اول اسمی که به تجلی احدیت و فیض اقدس در حضرت علمیه واحدیه ظهور یابد و مرآت آن تجلی گردد، اسم اعظم جامع الهی و مقام مسمای الله است که در وجهه غیبیه، عین تجلی به فیض اقدس است و در تجلی ظهوری کمال، جلا و استجلاء عین مقام جمع واحدیت به اعتباری، و کثرت اسمائیه به اعتباری است و تعیین اسم جامع و صورت آن عبارت از عین ثابت انسان کامل و حقیقت محمدیه (صلی الله علیه و آله) است. چنانچه مظهر تجلی عینی فیض اقدس، فیض مقدس است؛ و مظهر تجلی مقام واحدیت، مقام الوهیت است؛ و مظهر تجلی عین ثابت انسان کامل، روح اعظم است و سایر موجودات اسمائیه و علمیه و عینی، مظاهر کلیه و جزئی این حقایق و رقایق است.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، صص. ۷۰۶-۷۰۳).

۳-۲- نظریه دو فطرتی امام خمینی

امام خمینی قائل به وجود دو فطرت در نهاد آدمی هستند: حق تبارک و تعالی به ید قدرت خود که طینت آدم اول را مخمر فرود، دو فطرت و جبلت به آن مرحمت نمود: یکی اصلی و دیگر تبعی که این فطرت، براق سیر و رفرع عروج او است به سوی مقصد و مقصود اصلی و آن دو فطرت، اصل و پایه جمیع فطریاتی است که در انسان مخمر است و دیگر فطریات، شاخه‌ها و

اوراق آن است. یکی از آن دو فطرت که سمت اصلیت دارد، فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه است... و دیگری از آن دو فطرت که سمت فرعیت و تابعیت دارد، فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است که این مخمر بالعرض است و به تبع فطرت عشق به کمال، تنفر از نقص نیز مطبوع و مخمر در انسان است. این فطرت، فطرت مخموره غیر محجوبه است که محکوم احکام طبیعت نشده و وجه روحانیت و نورانیت آنها باقی است و اگر فطرت متوجه طبیعت شد و محکوم به احکام آن گردید و محجوب از روحانیت و عالم اصلی خود شد، مبدأ جمیع شرور و منشا جمیع شقاوت و بدبختی‌ها ست (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، صص. ۷۸-۷۹)

امام خمینی با اشاره به دیدگاه دو فطرتی، فطرت مخموره غیر محجوبه را وزیر عقل و فطرت محجوبه به طبیعت را وزیر جهل و مبدأ شرور و خود شر معرفی می‌کند و این مهم را مورد تأکید قرار می‌دهد: عشق، متعلق به سلطنت محدوده نیست، بلکه عشق سلطنت مطلقه در نهاد انسان است، و از محدودیت، متنفر و گریزان است و خود نمی‌داند و پر واضح است سلطنت مطلقه، از سنخ سلطنت‌های دنیاوی مجازی نیست، بلکه سلطنت الاهی و علم و قدرت الهی است، و پدیدآورنده خود را خریدار است، و دل هر ذره را که بشکافند، آفتاب جمال حقیقت را در میانش ببینند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، صص. ۸۴-۸۳)

امام خمینی در مقصد بیست و دوم از کتاب شریف شرح چهل حدیث، با بیان دوگانه استسلام و استکبار، اولی را از لوازم فطرت مخموره و از جنود عقل معرفی کرده و استکبار را از لوازم فطرت محجوبه و از جنود جهل می‌داند (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، صص. ۴۱۷-۴۱۶)

امام خمینی فطرت کمال طلب انسان را از مصادیق بارز فطرت مخموره غیر محجوبه می‌داند و این مهم را بارها<sup>۲</sup> در آثار خود مورد تأکید قرار داده‌اند چنانچه گویی این موضوع از امهات اندیشه ایشان است. چنانچه در این باره می‌فرمایند: «تمام موجودات و عایله بشر با زبان فصیح یک دل و یک جهت گویند ما عاشق کمال مطلق هستیم، ما حب به جمال و جلال مطلق داریم، ما طالب قدرت مطلقه و عام مطلقه هستیم. آیا در جمیع سلسله موجودات در عالم تصور و خیال، و در

---

<sup>۲</sup> (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۷، ص. ۲۱)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، ص. ۲۰۷)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، نامه‌های اخلاقی عرفانی، صص. ۴۶-۴۷)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، نامه‌های اخلاقی عرفانی، ص. ۳۸)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، ص. ۱۴۴)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، نامه‌های اخلاقی عرفانی، ص. ۳۸)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۵۰، نامه‌های اخلاقی عرفانی، صص. ۵۸-۵۹)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۹، ص. ۴۵)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، صص. ۲۱۰-۲۰۹).

تجویزات عقلیه و اعتباریه، موجودی که کمال مطلق و جمال مطلق داشته باشد جز ذات مقدس، مبدأ عالم جلت عظمته سراغ دارید؟... لازمه عشق به کامل مطلق، وجود کامل مطلق است.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۴۶، صص. ۲۰۶-۲۰۷)

#### ۴- مبانی روشی یا روش‌شناسانه

مطالعه آثار مکتوب امام خمینی نشان از آن دارد که ایشان قائل به نوعی تکثر روشی در مسئله شناخت هستند و این ویژگی در ارتباطی وثیق با مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایشان و به بیان دیگر، پیامد اجتناب‌ناپذیر آن است؛ لذا، شاهد به‌کارگیری طیف متنوعی از روش‌ها به شرح ذیل هستیم:

- ۱- روش برهانی یا استدلالی در آثار فلسفی همچون تفسیر سوره حمد و یا آنچه در تقریرات درس فلسفه<sup>۳</sup> ایشان مورد استناد قرار گرفته هستیم.
- ۲- روش هنجاری نیز یکی دیگر از روش‌های مورد استفاده امام خمینی است که هر پدیده را به محکمه وجدانیات و نظم هنجاری انسان‌ها واگذار می‌کند.
- ۳- روش فقهی، با تأکید بر فقه سنتی و اجتهاد جواهری در قالب فقه استدلالی نیز سبک غالب ایشان در مباحث فقهی همچون البیع است.
- ۴- روش جدلی - کلامی که در آثار کلامی همچون تعلیقه علی فوائد الرضویه، ایشان به‌وضوح قابل مشاهده است.
- ۵- روش‌های شهودی یا ذوقی یا روش قلبیه که در آثار عرفانی امام به‌وضوح از آنها بهره برده شده است.
- ۶- روش مطالعات تاریخی نیز از دیگر انواع مناهج پژوهشی است که ایشان در حجت آوردن و ارائه مصادیق از وقایع تاریخی و سرگذشت دیرینگان مورد استناد امام خمینی قرار گرفته است.

---

<sup>۳</sup> امام خمینی سال‌ها در قم به تدریس کتاب شرح منظومه، ملاحادی سبزواری و نیز اسفار اربعه، تألیف فیلسوف شهیر صدرالمتألهین اشتغال داشتند و بر مباحث آن، حاشیه نوشته‌اند که نسخه‌ای از آن در دسترس نیست. این کتاب در سه مجلد، (۲ جلد شرح منظومه و یک جلد شرح اسفار) به انعکاس منتخبی از آرای فلسفی امام خمینی از تقریرات دروس فلسفه ایشان تعلق دارد که توسط سیدعبدالغنی اردبیلی نوشته شده و برای نخستین‌بار در سال ۱۳۸۱ توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به چاپ رسیده است.

۷- روش‌های تفسیری در علوم و حیانی نیز دیگر روش‌هایی است که در آثار فقهی، اخلاقی، شرح حدیث و یا تفسیر همچون شرح چهل حدیث، شرح حدیث جنود عقل و جهل یا تفسیر سوره حمد مورد استناد ایشان قرار گرفته است.

### نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال ارائه شناختی از مبانی اندیشگی امام خمینی با رجوع به متن اندیشه ایشان با کرابست نظریه هرمنوتیک قصدگرای اسکینر بود. طبعاً آثار قلمی امام خمینی که در دوران جوانی تحریر گشته نشان از آن دارد که شخصیت علمی امام خمینی بر بنیان‌های استوار و منقحی بنا نهاده شده بود و گذشت زمان به عمق‌بخشی هر چه بیشتر این اندیشه منتج شده و در رفتار و کنش اعلانی ایشان نیز ظهور دارد.

حسب آنچه از آثار عرفانی، اخلاقی و فلسفی ایشان که عمده مبانی نظری و امهات فکری ایشان در آن ظهور یافته و قابل مطالعه، نقد و بررسی است می‌توان اصول بنیادین و به بیانی دیگر امهات اندیشگی ایشان به شرح ذیل ارائه نمود:

۱. تمام حوزه‌های بنیادین در نظم اندیشه اندیشگی امام خمینی، به‌نوعی باور به ذومراتب بودن و وجه تشکیکی پدیده‌ها هستند که این امر موجب می‌شود تا از بررسی تک‌ساحتی انسان اجتناب صورت پذیرد.

۲. مسئله شناخت و امکان وصول به شناخت از مهم‌ترین موضوعات در نظم فکری هر اندیشمندی است که از نگاه معرفت‌شناسی توحیدی امام خمینی، معیار شناخت اعم از حس و عقل است و هر آنچه در این قلمرو قرار گیرد، داخل در قلمرو عمل و شناخت قرار می‌گیرد. این ویژگی در حوزه شناخت، موجب به‌رسمیت شناختن کلیه منابع شناخت اعم از منابع عقلی و حسی، منابع مبتنی بر متن مقدس و منابع شهودی می‌شود؛ لذا، شناخت پدیده‌ها در یک طیف وسیع از منابع شناخت قابل طرح و بررسی است.

۳. هستی‌شناسی امام خمینی، یک هستی‌شناسی توحیدی عرفانی و فلسفی است. از یک سو، تمام عالم را به مثابه اسم خداوندی می‌دانند و از سوی دیگر، هر بعدی از پدیده‌ها را سایه‌ای از دیگر مراتب وجودی آن می‌پندارند و معتقدند تمام هستی از یک حقیقت واحد نشأت می‌گیرد و چیزی جز آن حقیقت ازلی، وجود و اصالت ندارد.

۴. مبانی انسان‌شناسی مهم‌ترین و عینی‌ترین تأثیر را بر فلسفه سیاسی هر اندیشمند از خود به جای می‌گذارد. امام خمینی، انسان را وجودی ذومراتب می‌داند که در عالی‌ترین مرتبه وجودی خود، خلیفه خداوند بر زمین، کون جامع و برخوردار از دو فطرت درونی می‌داند که منشأ تمام رذالت‌ها و فضائل انسانی هستند که یکی در بند حجاب طبیعت و دیگری، فارغ از آن است. ایشان این دو فطرت را نماینده لشکریان عقل و جهل در درون انسان معرفی می‌کنند که فرمانروایی هر یک از این دو فطرت بر نهاد انسان، ماهیت وجودی او را تعیین می‌کند.

۵. روش شناخت نیز با توجه به محدودیت هر یک از روش‌های موجود در حوزه شناخت و نیز تفاوت در موضوع هر حوزه از علم، در دیدگاه امام خمینی به پذیرش تکثرگرایی روشی، انجامیده است.

#### منابع

#### منابع فارسی

۱. اخلاقی، عبدالله؛ امیدی، مهدی. (۱۳۹۵) مبانی فلسفه سیاسی امام خمینی. ماهنامه معرفت، ۲۵ (۷). <http://marifat.nashriyat.ir/node/668>
۲. آقاپور، مهدی. (۱۴۰۰) مبانی انسان‌شناختی در اندیشه ملاصدرا و امام خمینی با تأکید بر انسان سیاسی. رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۵۴، صص. ۱۶۰-۱۴۱. [doi:10.1001.1.20083777.1400.15.54.9.0](https://doi.org/10.1001.1.20083777.1400.15.54.9.0)
۳. حسین‌پور، غلامرضا. (۱۳۹۵) تأملی بر مبانی وجودشناختی صدر اول بر اساس تعلیقات امام خمینی بر مصباح الانس. نشریه ادیان و عرفان، ۴۹ (۲)، صص. ۱۹۴-۱۷۵. [doi:10.2059/JRM.2017.205517.629571](https://doi.org/10.2059/JRM.2017.205517.629571)
۴. خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۷) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۵. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲) *التعلیقه علی الفوائد الرضویه*، در: موسوعه الامام الخمينی، جلد ۴۳، الطبعة الثالثة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.
۶. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲) *تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و تعلیقات علی مصباح الانس*، در: موسوعه الامام الخمينی، جلد ۴۵، الطبعة الاولى، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.
۷. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲) *دروس تفسیر سوره حمد - جهاد اکبر یا مبارزه با نفس - نامه‌های اخلاقی عرفانی*، در: موسوعه الامام الخمينی، جلد ۵۰، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.



۸. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲) *سِرِّ الصَّلَوةِ*، در: موسوعه الامام الخميني، جلد ۷، ۴۷، چاپ شانزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲) *شرح چهل حدیث*، در: موسوعه الامام الخميني، جلد ۶، ۴۶، چاپ پنجاه و هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲) *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، در: موسوعه الامام الخميني، جلد ۴۹، چاپ پانزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲) *شرح دعاء السحر*، در: موسوعه الامام الخميني، جلد ۲، ۴۲، الطبعة الخامسة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام الخميني.
۱۲. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲) *مصباح الهدایة الى الخلافة و الولاية*، در: موسوعه الامام الخميني، جلد ۴۴، الطبعة التاسعة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام الخميني.
۱۳. رودگر، محمدجواد. (۱۳۹۶) مبانی عرفانی اندیشه سیاسی امام خمینی. سیاست متعالیه، شماره ۱۸، صص. ۱۷۶-۱۶۱. [https://sm.sas.ir/article\\_30386.html](https://sm.sas.ir/article_30386.html)
۱۴. عروتی، اکبر. (۱۳۹۵) مبانی هستی‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، شماره ۲۱، صص. ۶۷-۵۱. doi: [10.22084/RJIR.2017.1779](https://doi.org/10.22084/RJIR.2017.1779)
۱۵. کبیری، زهرا سادات. (۱۳۸۹) مبانی عرفانی امام خمینی و ابن عربی در اندیشه سیاسی و اجتماعی. پژوهش‌نامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۹ (۳۱)، صص. ۱۸۵-۲۱۴. <http://kms.bou.ac.ir/paper/>
۱۶. کریمیان، علی. (۱۳۹۷) مبانی هستی‌شناختی امام خمینی در رتبه‌بندی موجودات عالم ناسوت. کلام اسلامی، شماره ۱۰۸، صص. ۵۱-۳۳. [https://www.alamislami.ir/article\\_96329.html](https://www.alamislami.ir/article_96329.html)
۱۷. مرتضوی، سید خدایار. (۱۳۸۸) کاوشی در روش‌شناسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی؛ مطالعه موردی: نقد اسکینر بر روش‌شناسی قرائت متنی. سیاست، ش. ۹، صص. ۳۰۴-۲۸۵. [https://jpq.ut.ac.ir/article\\_20153.html](https://jpq.ut.ac.ir/article_20153.html)
۱۸. مقیمی، غلامحسین. (۱۳۸۸) مبادی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی. ماهنامه معرفت، ۱۸ (۳)، <http://marifat.nashriyat.ir/node/668>
۱۹. مقیمی، غلامحسین. (۱۳۹۱) مبانی انسان‌شناختی اندیشه سیاسی امام خمینی. پژوهش‌نامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۱۰ (۳۹)، صص. ۱۶۵-۱۵۱. <http://ensani.r/fa/article/299342>
۲۰. مهاجرنیا، محسن. (۱۳۸۷) مبانی عرفانی اندیشه سیاسی امام خمینی بر مبنای مصباح الهدایة. مطالعات انقلاب اسلامی، ۴ (۱۵)، صص. ۷۴-۵۵. <https://enghelab.aaref.ac.ir/article-1-1831-fa.html>

"Hermeneutics in Science and Religion". *Encyclopedia of Science and Religion*. Retrieved November 09, 2022 from Encyclopedia.com: <https://www.encyclopedia.com/education/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/hermeneutics-science-and-religion>, viewed in Nov. 14, 2022.

Gadamer, Hans-Georg. (1976) *Philosophical Hermeneutics*, ed. david e. linge. berkeley: university of california press.

Skinner, Quentin. (1981) *Machiavelli: A very short Introduction*, New York: Oxford University Press.

Skinner, Quentin. (2002) *Vision of Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.

Tully, James. (1988) *Meaning and Context: Quentin Skinner and his critics*, New Jersey, Princeton University Press.

پایگاه استنادی مقاله نویسی